

فصل نامه علمی پژوهش نامه تاریخ اسلام
سال یازدهم، شماره چهل و دوم، تابستان ۱۴۰۰
مقاله پژوهشی، صفحات ۸۲-۶۷

جایگاه و کارکرد نهادهای آموزشی اتابکان فارس (حک. ۵۴۳-۶۸۶)

محمد کشاورز (بیضایی)^۱

چکیده

حکومت محلی اتابکان فارس (سلغریان)، با وجود کوچکی قلمرو، از حیث آموزشی و فرهنگی، درخشان و پرتحرک بود. محققان غالباً به رویکردهای سیاسی و اقتصادی حاکمان این سلسله پرداخته و به کارکردهای مهم نهادهای آموزشی آن دوره چندان توجهی نکرده‌اند. این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی در صدد پاسخ به این سؤال است که جایگاه و کارکرد نهادهای آموزشی فارس در دوره اتابکان چگونه بوده‌است؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که کارکردهای آموزشی، پرورشی، مشروعیت‌زا و وقف‌محورانه نهادهای آموزشی اتابکان فارس، در توسعه و گسترش علوم عقلی و نقلی، درآمدزایی برای کادر آموزشی و شکوفایی فرهنگی و اجتماعی فارس در آن دوره تأثیرگذار بوده‌است. امنیت و رفاه نسبی، سیاست حاکمان سلغری در برابر یورش مغولان، ساخت مراکز و نهادهای آموزشی مانند مدارس، رباط‌ها، مساجد، دارالشفاه، خانقاه‌ها و جذب دانشمندان و هنرمندان موجب شکوفایی فرهنگی فارس در دوره سلغریان شده‌است.

کلیدواژه‌ها: اتابکان فارس، تاریخ آموزش، سلغریان، نهادهای آموزشی، وقف.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران. mkeshavarz_59@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۴/۰۶ تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۷/۱۴

The position and function of educational institutions of the Salgharians (543-686 AH)

Mohammad Keshavarz (Beyzaei)¹

Abstract

Despite the small territory, the local government of the Salgharians (Atabegs of Fars) was bright in terms of culture and education. Researchers have been working on the political and economical approaches of rulers often and have not paid much attention to the important functions of educational institutions. Through the descriptive-analytical method, this study seeks to answer the question that what was the position and function of Fars educational institutions in the Salgharians period. Findings indicate that the educational, nurturing, legitimizing, and dedication-oriented functions of the Salgharians' educational institutions have been effective in the development of intellectual and narrative sciences, generating income for educational staff and the cultural and social prosperity of the Fars in that period. The relative security and welfare, the Salghari rulers' policies against the invasion of the Mongols, building educational institutions such as schools, ribāṭs, mosques, hospitals, monasteries, and attracting scientists and artists flourished the Fars culturally in the Salgharians period.

Keywords: The Atabegs of Fars, The history of education, The Salghurids, Educational institutions, Endowment (Waqf).

1. Associate professor of Islamic Theology, Bushehr University of Medical Science, Bushehr, Iran. mkeshavarz_59@yahoo.com

درآمد

نهادهای آموزشی در انتقال ارزش‌ها، سنت‌ها و موارث تاریخی جامعه نقش بسزایی دارند. کارآمدی و رویکرد صحیح فرهنگی و آموزشی حکومت‌ها در تحقق شایسته برنامه‌های آموزشی مؤثر است. اتابکان فارس، مشهور به آل ساغر، اتابکان سلغری و سلغریان، در زمره سلسله‌های محلی به شمار می‌رود که یازده نفر از آنان نزدیک به یک قرن و نیم (۵۴۳ تا ۶۸۵) بر سرزمین فارس و مناطق مجاور آن حکومت کردند. پیشینه اتابکان به طایفه سلغر از ترکمان‌های غُز/اغز، در قرن پنجم برمی‌گردد (برای اطلاعات بیشتر نک. کاشغری، ۵۶/۱). آنان در زمان ضعف سلجوقیان و پس از مرگ ملک‌شاه، از دشت قبچاق به ایران آمدند. گروهی به رهبری یعقوب بن ارسلان‌الافشری در خوزستان و گروهی دیگر به سرپرستی سُنُقُر بن مودود در نزدیکی کهگیلویه اقامت گزیدند. سرانجام مهتر این خاندان سَنُقِر بن مودود سلغری با استفاده از ضعف و منازعات درونی سلجوقیان و در پی سرکوبی بوزابه حاکم شیراز، توانست به بهانه خون‌خواهی بوزابه، شیراز (۵۴۳ ق) را تصرف و سلسله اتابکان فارس را تأسیس کند (زرکوب شیرازی، ۹۰؛ مستوفی، ۵۰۳؛ جنید شیرازی، ۲۸۲-۲۸۱).

دوره حکومت اتابکان سلغری در فارس با شکوفایی این سرزمین مقارن شده است. حاکمان این سلسله از هرگونه مساعدت و حمایتی در پیشرفت و پویایی فرهنگ و علوم اسلامی، دریغ نورزیدند و با احداث مراکز و نهادهای آموزشی و فرهنگی، استفاده از وزیران کارآمد و فرهنگ‌دوست، حمایت مادی و معنوی از عالمان و دانشمندان، به رشد و رونق فرهنگ و علوم یاری رساندند. در آن دوره پیشرفت‌های قابل‌توجهی در زمینه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی حاصل آمد. در حوزه فرهنگی و اجتماعی، رشد و توسعه مراکز آموزشی، مانند مساجد، مدارس و بیمارستان‌ها، زمینه مناسبی را برای فعالیت عالمان و دانشمندان و تربیت دانش‌اندوزان فراهم کرد. سیاست‌های عاقلانه این سلسله برای در امان نگهداشتن فارس در برابر مغولان، همچنین تساهل و تسامح مذهبی حاکمان و وزیران سلغری، کنشگری و مدیریت صحیح و شایسته متولیان سیاسی، آموزشی و فرهنگی، موجب شکوفایی فارس در آن دوره

شده بود. اغلب مورخان و پژوهشگران به ابعاد سیاسی و اقتصادی اقدامات حاکمان سلغری در فارس پرداخته‌اند و کمتر به جایگاه، کارکرد نهادهای آموزشی، نتایج و پیامدهای آن توجه کرده‌اند. بررسی نهادها و مراکز آموزشی اتابکان سلغری، افزون بر شناخت چگونگی عملکرد این نهادها، می‌تواند نقش و سهم آنها را در رشد و گسترش فرهنگ و علوم اسلامی در آن دوره تبیین و روشن کند.

پیشینه پژوهش

پایان‌نامه کارشناسی ارشد علی‌باز زارع (۱۳۹۰ش)، با عنوان «بررسی اوضاع فرهنگی فارس در دوره سلغریان»، تنها پژوهشی است که به شکل مستقل به وضع فرهنگی فارس پرداخته است. نویسنده در این اثر به پیشینه حاکمان سلغری، نویسندگان و شاعران، وضع مذهبی، نیز نقش حکمرانان و دولتمردان سلغری در رشد فرهنگی و اقتصادی آن دوره پرداخته است، بی‌آنکه از نهادهای آموزشی و سهم آنها در شکوفایی فرهنگی آن دوره سخن به میان آورد. حسین میرجعفری (۱۳۷۷ش) نیز در مقاله «سلغریان و جایگاه آنان در تاریخ»، پیشینه و جایگاه سیاسی سلغریان در تاریخ را مورد بررسی قرار داده است. مجتبی خلیفه (۱۳۹۶ش)، در ذیل مدخل «سلغریان»، در *دانشنامه جهان اسلام*، به شکلی اجمالی و مختصر به اوضاع سیاسی سلغریان فارس و وضعیت فرهنگی، علمی و اقتصادی آنان پرداخته است. حسین سیدکاظم موسوی سعد و علی بحرانی‌پور (۱۴۰۰ش)، در مقاله «علل قبض و بسط حوزه نفوذ و تسلط سلغریان فارس (۵۴۳-۶۸۶ ق) در بحرین»، به علل و عوامل قبض و بسط حوزه نفوذ و تسلط سلغریان در بحرین پرداخته‌اند. همان‌گونه که مشاهده شد این آثار به نقش و کارکرد نهادهای آموزشی اتابکان فارس (۵۴۳-۶۸۶) چندان توجهی نکرده‌اند. نظر به اهمیت بحث، این جستار با روشی توصیفی-تحلیلی، در صدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که جایگاه و کارکرد نهادهای آموزشی اتابکان فارس در آن دوره چه بود و چه دستاوردهایی داشت؟ فرضیه‌های پژوهش حاضر این است که نهادهای آموزشی فارس در دوره اتابکان، کارکردهای آموزشی، تربیتی، کاربردی، درآمدی و مشروعیت‌زایی را بر عهده داشتند و این نهادها در شکل‌گیری و زمینه‌سازی فعالیت‌های اجتماعی و

فرهنگی، همچنین رونق و شکوفایی فارس در آن دوره نقش و جایگاه بسزایی داشتند.

وضع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فارس در دوره اتابکان

با تأسیس سلسله اتابکان در ۵۴۳، سنقر بن مودود و جانشینانش، همواره تلاش کردند تا افزون بر خطه فارس، قلمرو خود را به دیگر نقاط نیز گسترش دهند. از این رو آنها گاهی بر کرمان و لرستان نیز مسلط بودند (وصاف، ۱۵۱). از میان حاکمان اتابکان فارس که پس از سنقر به حکومت فارس رسیدند، می‌توان به زنگی بن مودود، مظفرالدین بن تَکَلَه، طغرل بن مودود، سعد بن زنگی، مظفرالدین ابوبکر، اتابک مظفرالدین سعد بن ابوبکر، اتابک عضدالدین محمد بن سعد، اتابک مظفرالدین محمدشاه، اتابک مظفرالدین سلجوق شاه نام برد. ایام زمامداری سعد بن زنگی و مظفرالدین ابوبکر، دوره اوج قدرت اتابکان فارس محسوب می‌شود. در آن دوره اقدامات و اصلاحات ارزنده‌ای برای آبادانی و رونق فارس انجام شد. اتابک سعد با اقدامات عمرانی و ساختن کاروان‌سراها، مساجد، رباط‌ها و امور عام‌المنفعه موجب رونق و شکوفایی فارس شد. اتابک ابوبکر نیز با مصالحه با مغولان و پذیرش تعهدات مالی در برابر آنان، فارس را از گزند هجوم آنان مصون داشت (جوینی، ۱/ ۱۹۰). او با اهتمامی ویژه به ساماندهی امور اقتصادی، مالیاتی و کارهای عمرانی بر رونق و شکوفایی فارس افزود (وصاف، ۱۶۲-۱۶۱؛ زرکوب شیرازی، ۹۱، ۱۰۰؛ مستوفی، ۵۰۶).

ابوبکر بن سعد شحنگان مغول را در بیرون شیراز اسکان داد و اسباب و لوازم رفاه ایشان را از هر جهت فراهم کرد و مردم را از نزدیکی به ایشان منع کرد (وصاف، ۱۵۷-۱۵۶). شیخ اجل سعدی شیرازی (دیباچه، ۲۷) با اشاره به تدابیر و اقدامات ابوبکر در مرتفع نمودن این گرفتاری و بلای بزرگ چنین سروده است:

اقلیم پارس را غم از آسیب دهر نیست تا بر سرش بود چو توی سایه خدا
امروز کس نشان ندهد در بسیط خاک مانند آستان درت مأمن رضا

ایمن ماندن شیراز و ایالت فارس از هجوم مغولان باعث شکوفایی این خطه از ایران زمین شد. این امر موجب انتقال کانون فرهنگی و ادبی ایران از خراسان به شیراز شد (رستمی‌پور، ۶۳). امنیت و آرامشی که اتابک سعد و اتابک ابوبکر در شیراز ایجاد

کردند، موجب شد تا بسیاری از فراریان از حملات مغولان، مانند شمس قیس رازی، نویسنده کتاب *المعجم فی معاییر اشعار المعجم* به این شهر مهاجرت کنند. بدین ترتیب اقلیم فارس در قرن هفتم، پناهگاه نسبتاً مطمئن و آبادی برای تجمع حجم انبوهی از علما، شعرا و دانشمندانی شد که از هجوم مغول به آنجا پناه آورده و یا اینکه اصالتاً از این خطه برخاسته بودند.^۱

اتابکان در زمان ابوبکر با تسخیر جزیره کیش و استفاده از ضعف دولت عینی بحرین (۶۶۹-۴۳۶)، توانستند بحرین را تصرف کنند (وصاف، ۱۶۹، ۱۷۷). آنان با تصرف بحرین بر راه‌های تجاری خلیج فارس مسلط شدند و امتیازات تجاری و اقتصادی ارزشمندی به دست آوردند (موسوی سعد و بحرانی‌پور، ۱۶۰-۱۵۹).

با وفات ابوبکر بن سعد، ضعف و فروپاشی اتابکان فارس آغاز شد. به‌طوری که در مدت چهار سال، چهار تن از اعضای این خاندان، از جمله اتابک مظفرالدین سعد بن ابوبکر، اتابک عضدالدین محمد بن سعد، اتابک مظفرالدین محمدشاه و اتابک مظفرالدین سلجوق شاه به قدرت رسیدند. سرانجام با آغاز درگیری‌های خونین جانشینی در میان اتابکان فارس، مرگ سلجوق شاه، حذف وزیران و کارگزاران کارآمد و بی‌اعتنایی به قدرت مغولان، دوره اتابکان فارس به پایان رسید. پس از جلوس آتش‌خاتون قلمرو فارس از تسلط اتابکان خارج شد و آتش‌خاتون که قلمرو خود را در اختیار ایلخانان قرار

۱. شمار بسیار دانشمندان، نویسندگان و هنرمندان هر محقق را شگفت‌زده می‌کند. شیخ ابوبکر عمر بن محمد معروف به برکر، شهاب‌الدین ابوبکر احمد بن المصالحی بیضایی، محمود بن شیخ‌الشیوخ خلیفه بن عبدالسلام بن احمد بن سالبه، عبدالرحمن بن محمد بن سعد الاقلیدی، شیخ قطب‌الدین ابومحمد عبدالله بن علی بن حسین ملکی، ابوالمبارک عبدالعزیز بن محمد بن منصور رادمی، قاضی شرف‌الدین محمد، ابوالقاسم عبدالرحیم بن محمدالروستانی، فخرالدین ابن ابی مریم شیرازی، ارشدالدین ابوالحسن علی بن محمد بن علی نیریزی، روزبهان بقلی، سراج‌الدین مکرم بن العلاء الفالی شیرازی، ضیاء خجندی، ابوالحسن بن عبدالله معروف به کردویه، صفی‌الدین ابومحمد کرمانی، نظام اصفهانی، ابوذر محمد بن جنید بن روزبه الکتکی، رکن‌الدین عبدالله قزوینی، شمس‌الدین محمد بن قیس رازی، مجدالدین فالی، قاضی امام‌الدین ابوالقاسم عمر بیضاوی، عزیز نسفی، محمود بن محمد قزوینی، نجب‌الدین علی بن بزغش، سعدی شیرازی، علامه قطب‌الدین شیرازی، ناصر بجه‌ای، وصاف‌الحضره، مجد همگر و قاضی بیضاوی از زمره این دانشمندان، عالمان، عارفان، نویسندگان و هنرمندان به شمار می‌روند (برای اطلاع بیشتر نک. زارع، ۷۷-۴۹؛ اشپولر، ۱۴۶-۱۴۵؛ اقبال آشتیانی، ۴۸۴-۴۸۳).

داده بود و تنها نام اتابکی فارس را یدک می‌کشید، در سال ۶۸۴ درگذشت. با مرگ وی دوره حکومت اتابکان سلغری در فارس به پایان رسید (مستوفی، ۵۰۷).

نهادهای آموزشی اتابکان فارس

دوره حکمرانی اتابکان فارس با ایجاد نهادها و مراکز علمی همراه بود. این نهادها و مراکز، عهده‌دار امر آموزش در سطوح مختلف در رشته‌های علوم عقلی و نقلی بودند. از میان این نهادها و مراکز می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. مدارس

مدارس از زمره نهادهای آموزشی مهم در جهان اسلام به شمار می‌رود که از قرن چهارم هجری، نقش مهمی در امر آموزش و تعلیم عهده‌دار شدند. در این مدارس، شاگردان مشغول آموزش خواندن و نوشتن، قرآن، واجبات و سایر علوم دینی بودند (شبلی، ۴۴). در دوره اتابکان فارس نیز به اهتمام و مساعی برخی از حاکمان، وزیران و نزدیکان این سلسله مانند امین‌الدین کازرونی وزیر اتابک مظفرالدین تکلّه بن زنگی، اتابک ابوبکر بن سعد، ترکان خاتون همسر اتابک ابوبکر بن سعد، برای ساختن مدارس تلاش گسترده‌ای صورت گرفت. وجود مدرسی چون عضدی، فخریه، اتابکیه، سنقریه، عمیدیه و زاهده حاکی از رشد و توسعه علوم و مدارس آن دوره است (قاضی بیضاوی، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۵؛ و صاف، ۱۵۷؛ زرکوب شیرازی، ۸۴، ۹۰، ۹۲؛ جنید شیرازی، ۲۱۵، ۲۷۲). البته باید در نظر داشت که در آن دوره نخبگان و دانشمندان بسیاری از فارس و دیگر نقاط کشور بر گرد اتابکان جمع شدند و فضای مناسبی را برای تعلیم و آموزش در این مدارس و دیگر نهادهای آموزشی فراهم کردند.

۲. مساجد

با هجرت پیامبر ﷺ به مدینه، نخستین اقدام وی بنای مسجد برای انجام امور عبادی و سیاسی بود (مقریزی، ۵/۴). اندک زمانی پس از ساختن مسجد توسط پیامبر ﷺ، این مکان افزون‌بر کارکرد عبادی و سیاسی، عهده‌دار امور فرهنگی و آموزشی مسلمانان شد. به تدریج در جهان اسلام مساجد بزرگی توسط خلفا، حاکمان و پادشاهان ساخته شد. به

دنبال گسترش و توسعه مساجد زاویه یا ستون به عنوان بخشی از آن، به مثابه جایگاهی برای دانشمندان و استادانی که به آن تکیه می دادند و شاگردان پیرامون آن ستون و زاویه گرد می آمدند، در امر آموزش جایگاه خاصی یافت. چنانکه زاویه امام شافعی در مسجد جامع فسطاط تا مدت ها کانون آموزش بود (همان، ۲۲/ ۴). در دوره اتابکان فارس نیز مساجد بسیاری ساخته شد. چنانکه اتابک سنقر مسجد بزرگی در شیراز ساخت که با نام وی به مسجد «اتابک سنقر» معروف شد (زرکوب شیرازی، ۷۳). اتابک سعد یکی از مهمترین مشهورترین مسجد اتابکان، یعنی مسجد اتابکی یا مسجد نو را بنا کرد که از حیث معماری در نوع خود کم نظیر است (همان، ۷۷، ۹۴؛ مستوفی، ۵۰۵؛ و صاف، ۱۵۵). همچنین اتابکان به تجدید کاربری بناهای پیش از اسلام فارس روی آورده اند. مسجد اتابکی پاسارگاد و مسجد سنگی داراب، مصداق و شاهدی بر این مدعاست. مسجد سنگی استهبان را نیز در همین دوره در دخمه ای ساسانی بنا کردند (میرزا ابوالقاسمی، ۴۷- ۴۴). فقها و واعظان در این مساجد افزون بر مراسم عبادی و مذهبی، به بحث و سخنرانی برای مردم در حوزه های دینی، عبادی و احکام می پرداختند (زرکوب شیرازی، ۸۰). ابن بطوطه جهانگرد مشهور عرب نیز که یک قرن بعد یعنی در قرن هشتم هجری به شیراز سفر کرده با اشاره به سخنرانی واعظان می آورد: «روزهای دوشنبه و پنجشنبه و جمعه در مسجد جامع بزرگ شهر برای استماع سخنان واعظ گرد می آیند و گاهی تعداد حاضرین این مجالس هزار یا دو هزار نفر می رسد. آنان از شدت گرما هر کدام با بادبزی که در دست دارند، خود را باد می زنند و من در هیچ شهری ندیده ام اجتماع زنان به این گستردگی باشد» (ابن بطوطه، ۱/ ۲۵۱).

۳. دارالشفاه

دارالشفاه، بیمارستان ها و یا مریضخانه ها از دیگر نهادهای علمی و آموزشی آن دوره به شمار می روند که افزون بر خدمات درمانی، عهده دار آموزش های درمانی و پزشکی در سطوح گوناگون بوده اند. منابع و شواهد بیانگر اهتمام و تلاش حاکمان سلغری در بنای دارالشفاه و تأمین منابع مورد نیاز آن از طریق وقف است. چنانکه ابوبکر بن سعد از حاکمان سلغری دارالشفایی نیکو و بزرگ در شیراز بنا کرد (وصاف، ۱۵۷؛ قاضی بیضاوی، ۱۲۴). حضور پزشکان حاذق و مجرب در این دارالشفاه، موجب رونق پزشکی و تربیت و

پرورش داوطلبان این رشته شد (وصاف، ۱۵۷). علامه قطب‌الدین محمود شیرازی از زمره این پزشکان حاذق و مجرب به شمار می‌رود. وی حدود ده سال در بیمارستان مظفری شیراز مشغول پرورش طبیبان و معالجه بیماران بود. وی به‌علت دشوار بودن کتاب *قانون* اثر ابن سینا، با استعانت از مشاوره و همکاری کمال‌الدین ابوالخیر بن مصلح کازرونی، شمس‌الدین محمد کیش و شرف‌الدین زکی بوشکانی از طبیبان آن روزگار، کتاب مذکور را تجزیه و تحلیل کرد و شرحی بر آن تحت عنوان *شرح کلیات قانون* نوشت و مسائل علمی *قانون* را با زبانی قابل‌فهم و ساده توضیح داد (مهرز، ۲۴۵-۲۴۴).

۴. خانقاه‌ها

خانقاه معرّب خانگاه، مرکب از خانه و گاه (دهخدا، ذیل واژه)، محل سکونت درویشان و مرشدانی است که در آنجا رسوم و آداب تصوف را اجرا می‌کنند (معین، ذیل خانگاه). در این باره تعبیرهای دیگری نیز وجود دارد. در منابعی خان از واژه خوان به معنی سفره و یا از فعل خواندن، تفسیر شده‌است. البته چنین تعبیری بر آیین خانقاه و ذکر گفتن و غذا خوردن صوفیان تکیه دارد و از نظر ریشه‌یابی لغت صحیح نیست؛ زیرا در نگارش فارسی و آواشناسی عربی حذف «و» از واژه خوان سابقه نداشته است. چنانکه واژه فارسی خوان در زبان عربی به شکل خوان ثبت شده‌است (Chubby, 1025). خانقاه‌ها، مراکز فرهنگی اجتماعی برای تربیت مریدان، تدریس علوم اسلامی و تألیف و تکثیر کتاب‌های صوفیان و در عین حال مکان امنی برای اقامت عارفان و سالکان مسافر بود. بنابر نظر خواجه عبدالله انصاری اولین خانقاه را ابوهاشم کوفی در رمله شام بنا کرد (انصاری، ۹-۱۰). دوره ایلخانان در ایران به‌عنوان دوره گسترش تصوف و خانقاه‌سازی شناخته می‌شود. هر چند تصوف در دوره قبل از هجوم مغول به‌ویژه در دوره خلفای متأخر عباسی رشد قابل توجهی داشت. ولی در دوره مغول به‌علت استقبال مردم، همچنین رسمیت یافتن تصوف از سوی حاکمان، خانقاه‌سازی در مناطق تحت تصرف مغول گسترش یافت. به‌طور کلی عواملی مانند هجوم مغولان، آشفتگی‌های اقتصادی و اجتماعی، یأس و ناامیدی، تخریب زیرساخت‌های تمدنی و فرهنگی، گسترش ناامنی، سلب توان مادی و معنوی مردم (مرتضوی، ۳۳۹)، نیز حمایت ایلخان و وزرای آنان، از

صوفیان (همدانی، ۲۰۹-۲۰۸؛ بیانی، ۲/ ۶۵۹-۶۵۸)، در رشد و گسترش تصوف و خانقاه‌سازی در قرن هفتم تأثیر بسزایی داشت. با توجه به ساده‌زیستی صوفیان، هدایت افکار عمومی به توکل و رضا، تسکین دردهای اجتماعی، ارادت بزرگان و حاکمان محلی به تصوف، در ساخت و گسترش خانقاه‌ها به‌عنوان نهادی اجتماعی و آموزشی تجلی یافت (محمدی و دیگران، ۱۳۵).

خانقاه‌ها از مراکز و نهادهای اجتماعی و آموزشی دوره اتابکان فارس به شمار می‌روند که در تربیت و تکامل روحی مریدان و سلوک نفسانی و معنوی آنان آداب و تشکیلات خاصی داشتند. صوفیان و عارفان از جایگاه بالایی در نزد اتابکان برخوردار بودند. چنانکه اتابک سعد به زهاد و متصوفه اعتقادی راسخ داشت و ایشان را بر ائمه، علما و فضلا برتری می‌داد. حتی به برخی از آنان مانند قاضی جمال‌الدین مصری منصب قاضی‌القضات قلمرو اتابکان را تفویض کرد (وصاف، ۱۵۸؛ زرکوب شیرازی، ۸۰). از عارفان و مشایخ به‌نام و برجسته آن دوره می‌توان به شخصیت‌هایی مانند نجیب‌الدین علی بزغش، علامه قطب‌الدین محمد شیرازی، قاضی جمال‌الدین مصری، شیخ صدرالدین جنید، عزالدین محمد روزبهانی و ضیاءالدین ابوالحسن مسعود بن محمود شیرازی اشاره کرد (مهرآز، ۲۴۵، ۲۶۹-۲۵۹).

۵. رباط‌ها

از دیگر مراکز آموزشی آن دوره می‌توان به رباط‌ها اشاره کرد. رباط‌ها در آغاز نوعی بناهای نظامی بودند ولی به‌تدریج جایگاه نظامی خود را از دست داده و جنبه عبادی و آموزشی پیدا کردند. اصولاً رباط‌ها نه مراکزی مخصوص تعلیم، بلکه مراکزی برای سکونت و اقامت طالبان علم، پارسایان، عارفان، صوفیان و دانشمندان نیز بودند (کسایی، ۳۰۸؛ امینه و سپهری، ۷۰). رباط‌ها در دوره اتابکان سلغری فارس، از نظر رفاهی و پذیرایی از مسافران نیز کاربرد داشته‌اند (زرکوب‌شیرازی، ۷۷).

جایگاه و کارکرد نهادهای آموزشی اتابکان فارس

۱. نقش و کارکرد آموزشی و تربیتی

کارکرد آموزشی و تربیتی نهادهای آن دوره را می‌توان در آموزش و تربیت داوطلبان و دانش‌پژوهان در حوزه‌های علوم عقلی و نقلی جستجو کرد. منظور از علوم عقلی، رشته‌هایی مانند طب، هندسه، ریاضی و علوم نقلی یا دینی، رشته‌ها و تخصص‌هایی مانند قضاوت و فقه است. برای نمونه اتابک مظفرالدین سنقر بن مودود، فخرالدین نصر بن علی المریمی نیای عبدالله بن عمر بیضاوی را برای تدریس فقه و قضاوت و پرورش قاضیان و فقها برای تدریس در مدرسه‌ای که در شیراز ساخته بود، دعوت کرد (قاضی بیضاوی، ۱۲۱-۱۲۰). یا ابوبکر بن سعد، قضاوت ممالک سلغریان را به قاضی القضاات سعید جمال‌الدین ابوبکر مصری (وصاف، ۱۵۸؛ زرکوب شیرازی، ۸۰) و قاضی القضاات اعظم امام‌الدین ابوالقاسم عمر بن محمد البیضاوی تفویض کرد که آنان افزون‌بر مدیریت امور قضاوت، در آموزش داوطلبان دینی و امر قضاوت، اهتمام خاصی داشتند (قاضی بیضاوی، ۱۲۱-۱۲۵). همچنین مولانا نظام‌الدین ابوعبدالله اسماعیل بن محمد بن الحاکم بندهای خراسانی یکی از مدرسان معروف مدرسه فخریه بود (جنید شیرازی، ۴۱۶). در حوزه علوم عقلی نیز حضور دانشمندان و محدثین بزرگی چون شیخ شهاب‌الدین فضل‌الله تورانپشتی و تلاش و مساعی آنان در آموزش هندسه، ریاضی و پرورش و تربیت داوطلبان در این شاخه‌ها قابل‌درنگ است. تورانپشتی همزمان با حکومت اتابک ابوبکر بن سعد بن زنگی (۶۵۸-۶۲۳)، در شیراز مصون از گزند هجوم مغول، می‌زیست. وی با شیخ اجل سعدی شیرازی معاصر بود. تورانپشتی در سال ۶۵۶ به دعوت ترکان خاتون از فرمانروایان سلسله قراختایان کرمان، که مدرسه ترکان‌خاتونی را در این شهر بنا کرده بود، از شیراز به کرمان رفت (فصیح خوافی، ۸۱۰؛ ناصرالدین منشی کرمانی، ۴۲-۴۱). امام فخرالدین عبدالله نصر بن علی معروف به ابن ابی‌مریم و صدرالاسلام نیز از مدرسان و علمای بزرگ آن دوره به شمار می‌رود که شاگردانی چون قاضی مجدالدین فالی و قاضی سراج‌الدین مکرم فالی و عده‌ای دیگر از علما را پرورش داد (مهرز، ۲۱۹). در هر حال باید در نظر داشت که مساعی و تلاش‌های استادان و

متولیان نهادهای آموزشی در تعلیم و تربیت شاگردان و دانش‌پژوهان، سهم قابل‌توجهی در شکوفایی و رونق علوم و به تبع آن امور فرهنگی در آن روزگار داشت.

۲. نقش و کارکرد اقتصادی

جنبه حرفه‌ای و درآمدی این مدارس برای مدرسان و متولیان آموزشی و نیز دیگر اصناف و مشاغل، از دیگر کارکردهای مهم این نهادهای آموزشی به شمار می‌رود. خصوصاً در آن دوره متلاطم و پرآشوب که بسیاری از دانشمندان و نخبگان از گزند مغولان، به قلمرو اتابکان پناهنده شده و برای مرتفع کردن حوائج مادی خود در تنگنا بودند. در این راستا اتابکان با تکریم و استقبال از دانشمندان و استادان و برقراری مستمری و مقرری برای آنها، به بهره‌گیری از تخصص آنان در مراکز آموزشی مبادرت ورزیدند (وصاف، ۹۳؛ قاضی بیضاوی، ۱۲۱-۱۲۵؛ جنید شیرازی، ۴۱۶).

۳. نقش و کارکرد وقف‌محور

وقف یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های جهان اسلام است. یکی از اهداف واقفان برای کسب رضای خدا و بهبود اوضاع جوامع، ارتقا و اعتلای حوزه آموزش و فرهنگ بوده‌است. این مهم با احداث و وقف نهادها و مراکز آموزشی یا وضع موقوفات برای برطرف کردن هزینه‌های تأسیساتی و انسانی آنها و استمرار مراکز آموزشی و فرهنگی امکان‌پذیر می‌شده‌است. از این‌رو موقوفات در تأسیس و استمرار حیات نهادها و مراکز آموزشی، فرهنگی و اقتصادی نقش غیرقابل‌انکاری داشته و در ادوار تاریخی مصدر حرکت‌های مؤثری مانند تأسیس مدارس و مراکز تحقیقی و علمی بودند (مهدی‌نژاد و مقیمی، ۵۰-۴۹).

از دیگر ویژگی‌ها و کارکردهای نهادهای آموزشی آن دوره می‌توان به کارکرد وقف‌محورانه، نیز کمک‌بخشی آن به گسترش و توسعه این سنت نیکو جستجو کرد. این موقوفات منبع پایدار و قابل‌اعتمادی برای پویایی و شکوفایی نهادها و مراکز آموزشی با مدیریت اتابکان فارس بود. در واقع تمامی مراکز و نهادهای آموزشی آن دوره مانند رباط‌ها، مساجد، خانقاه‌ها، مدارس بر پایه سنت وقف برپا و اداره شده بودند (زرکوب شیرازی، ۷۷، ۸۵؛ وصاف، ۱۵۷).

۴. نقش و کارکرد کاربردی

تحقق برنامه‌های اقتصادی، عمرانی و فرهنگی، توسعه رفاه عمومی و بنای کاریزها، مساجد، رباط‌ها و به طور کلی مرتفع ساختن نیازهای جامعه، به نوعی اتابکان را متوجه علوم عقلی و نقلی کرد. برای نمونه یکی از عوامل ساختن رباط‌ها در کنار کارکرد و جایگاه آموزشی، بهره‌گیری مردم از امکانات رفاهی آن بوده‌است. زرکوب شیرازی (۷۷) با اشاره به این مطلب درباره رباط شهر الله یا رباط کرک که توسط سعد بن زنگی بنا شد، می‌نویسد: «یکی دیگر رباط شهر الله، که به رباط کرک اشتهار دارد... و سایر آینده و رونده از اهل آن دیار و اصحاب قافله و جماعت احشام که از آن گذر دارند... شرط کرده که جماعت مذکوره اگر هر روزه ده بار برسد، از سفره و طعام آن رباط محروم نباشند و آن رباط هنوز در حال عمارت است و به قدر صادر و وارد مردم از آن جایگاه بانصیب‌اند [بهره‌مند هستند]».

همچنین هدف از ساخت دارالشفاه و بیمارستان‌ها در آن دوره برطرف کردن نیاز جامعه به علم طبابت و گریز از درد و بیماری بوده‌است.

۵. نقش و کارکرد مشروعیت‌زایی برای حکومت

یکی دیگر از کارکردها و نقش‌های نهادها و مراکز آموزشی آن دوره، مستقیم و یا غیر مستقیم، کمک‌بخشی به مشروعیت‌زایی حکومت اتابکان و تثبیت و قوام پایه‌های قدرت آنان در میان مردم بود. چنانکه بسیاری از دانشمندان، استادان و هنرمندانی که در ارتباط با آن نهادهای آموزشی بودند و یا از فضای آموزشی و پرورشی آن بهره‌مند شده بودند در تجلیل از حاکمان سلغری و تزریق مشروعیت به حکومت آنان، به اشکال مختلف، در قالب پیشکش کردن تألیفات و یا مداخل خود به آنان مبادرت می‌ورزیدند. چنانکه شیخ اجل که پدرش از ملازمان سعد بن زنگی اتابک فارس بود، در دوره فرمانروایی اتابک ابوبکر بن سعد زنگی، دو اثر گران سنگ خود یعنی گلستان و بوستان را پدید آورد و هر دو را به فرمانروای فارس و پسرش سعد بن ابوبکر تقدیم کرد (سعدی، ۲۹). وی همچنین تخلص خود، «سعدی» را از نام پسر ابوبکر، یعنی سعد، برگرفت و در ستایش ابوبکر بن سعد و سعد بن ابوبکر و برخی دیگر از وزرا، امراء و

بزرگان آن روزگار اشعار و مدایحی پیشکش کرد (همان، ۱۵۳، ۱۵۵، ۶۴۶، ۶۴۹، ۶۶۳، ۶۷۳، ۶۷۵). همچنین شهاب‌الدین توران پشته کتاب *المعتمد فی المعتقد* را که در قالب کلام اشعری و با نثری فارسی و سلیس نوشته بود به نام اتابک ابوبکر بن سعد بن زنگی و فرزندش ابوشجاع درآورد، از این رو این کتاب *تحفه سلغری* یا *تحفه مظفری* نیز خوانده می‌شود (توران‌پشته، ۶؛ نفیسی، ۱/ ۱۵۳).

نتیجه

نهادهای آموزشی از نهادهای بنیادین و ساختارمند جوامع هستند که در انتقال و اشاعه سنت‌ها، ارزش‌ها و تولید آثار علمی و فرهنگی نقش مهمی دارند. مدارس، مساجد، رباط‌ها، دارالشفاه و خانقاه‌ها، از جمله مراکز و نهادهای آموزشی و فرهنگی اتابکان فارس به‌شمار می‌روند. مراکز و نهادهای آموزشی آن دوره از وضعیت و امکانات مناسبی برخوردار بودند. نقش‌ها و کارکردهای این مراکز و نهادها را می‌توان در امور آموزشی و تربیتی، مشروعیت‌آفرین، وقف‌محور، کاربردی و اقتصادی جستجو کرد. تربیت و آموزش داوطلبان، تحقق برنامه‌های اقتصادی، عمرانی و فرهنگی، توسعه رفاه عمومی و رفع نیازهای عمومی، جلب‌نظر و جذب دانشمندان و هنرمندان، به نوعی اتابکان را متوجه علوم عقلی و نقلی و گسترش مراکز و نهادهای آموزشی کرد. از دیگر برقراری موقوفات برای نهادهای آموزشی، به‌مثابه منبعی پایدار و قابل‌اتکا، در عین درآمدزایی برای مدرسان، علما و دیگر حرفه‌ها، موجب مشروعیت‌آفرینی برای اتابکان فارس شد. به‌طوری که بسیاری از استادان، هنرمندان و بزرگان آن دوره مانند توران پشته و سعدی شیرازی با پیشکش کردن آثارشان به حاکمان سلغری و یا تجلیل و مدح از شخصیت آنان به سهم خود موجب تقویت و تثبیت پایه‌های قدرت آنها شدند. کارکردهای مهم و مؤثر نهادها و مراکز آموزشی، در کنار عوامل و عناصری دیگر مانند اهتمام و مساعی حاکمان سلغری و وزیران آنان در بنای مراکز و نهادهای آموزشی، برقراری و ساماندهی نظم و امنیت اقتصادی و اجتماعی، همچنین اتخاذ اقدامات و سیاست‌های عاقلانه در برابر هجوم ویران‌گر مغولان، نقش غیرقابل‌انکار و شگرفی بر شکوفایی فرهنگی فارس در آن دوره داشت.

منابع

- ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمد علی موحد، تهران، نشر آگه، ۱۳۷۶.
- اشپولر، برتولد، تاریخ مغول در ایران: سیاست، حکومت، و فرهنگ دوره ایلخانان، ترجمه محمود میرآفتاب، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰.
- اقبال آشتیانی، عباس، تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران، نامک، ۱۳۸۳.
- امینه، حمیدرضا و محمد سپهری، «نقش نهادهای آموزشی فارس در گسترش علوم اسلامی در دوره آل بویه»، پژوهش نامه قرآن و حدیث، شماره ۲۲، بهار و تابستان ۱۳۹۷.
- انصاری هروی، خواجه عبدالله، طبقات الصوفیه، تصحیح محمد سرور مولایی، تهران، توس، ۱۳۶۲.
- بیانی (اسلامی ندوشتن)، شیرین، دین و دولت در ایران عهد مغول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱.
- توران پشته، شهاب الدین، المعتمد فی المعتقد، استانبول، مکتبه الحقیقه، ۲۰۱۰.
- جنید شیرازی، معین الدین ابوالقاسم، شدالازار فی حط الازار عن زوار المزار، تصحیح محمد قزوینی و عباس اقبال آشتیانی، تهران، چاپخانه مجلس، ۱۳۲۸.
- جوینی، علاء الدین عظاملک بن بهاء الدین محمد بن محمد، تاریخ جهانگشای جوینی، تحقیق محمد قزوینی و سید شاهرخ موسویان، تهران، دستان، ۱۳۸۵.
- خلیفه، مجتبی، «سلغریان»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۲۴، ۱۳۹۶. ناشر؟ محل نشر؟
- رستمی پور، مریم، «بازشناسی ایران باستان در فارس عصر حافظ»، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ ایران اسلامی، استاد راهنما: احمد فضلی نژاد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز: اردیبهشت ۱۳۹۷.
- زارع، علی باز، «بررسی اوضاع فرهنگی فارس در دوره سلغریان»، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: مجتبی خلیفه، دانشگاه بیرجند، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه تاریخ، تابستان ۱۳۹۰.
- زرکوب شیرازی، ابوالعباس معین الدین احمد شهاب الدین ابی الخیر، شیراز نامه، به کوشش اسماعیل واعظ جوادی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۱.
- سعدی، مصلح بن عبدالله، کلیات سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران، لیدا، ۱۳۹۳.
- شبلی، احمد، تاریخ آموزش در اسلام، ترجمه محمدحسین ساکت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰.
- فصیح خوافی، مجمل فصیحی، تصحیح سید محسن ناجی نصرآبادی، تهران، اساطیر، ۱۳۸۶.
- قاضی بیضاوی، ناصرالدین عبدالله بن عمر، نظام التواریخ، به کوشش میرهاشم محدث، تهران،

- بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۲.
- کاشغری، محمود بن حسین، دیوان لغات الثرک، استانبول، کلیسای معلم رفعت، ۱۳۳۵-۱۳۳۳.
- کسائی، سید نورالله، فرهنگ نهادهای آموزشی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
- محمدی، ذکراالله، نصرالله پورمحمدی املشی و محسن سلطانی، «تأثیرات هجوم مغول بر تصوف»، فصلنامه تاریخ، شماره چهل و نهم، تابستان ۱۳۹۷.
- مرتضوی، منوچهر، مسائل عصر ایلخانان، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۷۰.
- مستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران، اشجعی، ۱۳۸۷.
- مقریزی، تقی الدین ابن العباس احمد بن علی، المواعظ و الاعتبار بذکر الخطط و الآثار، وضع حواشیه خلیل منصور، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۸.
- موسوی سعد، سید کاظم و علی بحرانی پور، «علل قبض و بسط حوزه نفوذ و تسلط سلغریان فارس (۵۴۳-۶۸۶ق) در بحرین»، مطالعات تاریخ اسلام، سال سیزدهم، شماره ۴۸، بهار ۱۴۰۰.
- مهدی نژاد، جمال الدین و مهین مقیمی، «بررسی تأثیر وقف بر شکل گیری مدارس در ایران دوره اسلامی»، فصلنامه علمی پژوهشی نقش جهان، شماره ۱-۷، بهار ۱۳۹۶.
- مهران، رحمت الله، بزرگان شیراز، تحقیقی درباره زاهدان، عرفا، دانشمندان، مؤلفین، شعرا، پادشاهان، اماکن مقدسه و زیارتگاههای شیراز، تهران، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۴۸.
- میرجعفری، حسین، «سلغریان و جایگاه آنان در تاریخ»، نشریه جامعه شناسی کاربردی، شماره ۹، زمستان ۱۳۷۷.
- میرزا ابوالقاسمی، محمد صادق، «ویژگی های محراب های مساجد فارس از سده هفتم تا نهم هجری قمری»، فصلنامه نگره، دوره ۴، شماره ۱۰؛ بهار ۱۳۸۸.
- ناصرالدین منشی کرمانی، سمط العلی للحضرة العلیاء، به اهتمام عباس اقبال آشتیانی، تهران، شرکت سهامی چاپ، ۱۳۲۸.
- نفیسی، سعید، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، تهران، کتاب فروشی فروغی، ۱۳۴۴.
- وصاف، عبدالله بن فضل الله، تاریخ و صاف، تحریر عبدالمحمد آیتی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۴۶.
- همدانی، خواجه رشیدالدین فضل الله بن عمادالدوله، تاریخ مبارک غازی، تصحیح کارل یان، هرتفورد-انگلینس، نشر استفن اوستین، ۱۹۴۰.
- Chubby, J. "Chanukah". Encyclopedia of Islam. E. Van Denzel, B. Lewis and Ch. Pellat (Eds.), Leiden, Brill, 1997.